

میراث معماری و باستان‌شناسی نجات‌بخشی

(مطالعه موردی کاوش نجات‌بخشی محوطه گردی گوران پیرانشهر)

فرزاد مافی*^۱ بهنام قنبری^۲ حامید نورسی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۴

صفحه ۱۶۰ تا ۱۸۳

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

بخش قابل توجهی از یافته‌ها و نتایج حاصل از کاوش‌های باستان‌شناختی را آثار و شواهد معماری تشکیل می‌دهد. ساختارهای به‌دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی در کنار سایر بناها، بافت‌های تاریخی و سنت‌های معماری برجا مانده از ادوار گذشته، میراث معماری یک سرزمین را شکل می‌دهند. توجه به میراث معماری یک ضرورت انکارناپذیر در کاوش‌ها و مطالعات باستان‌شناختی است؛ اما زمانی که بحث کاوش‌های نجات‌بخشی مطرح می‌شود؛ با توجه به سرعت عمل و محدودیت‌های زمانی و مالی در این نوع از کاوش‌ها، احتمال از بین رفتن شواهد معماری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. با توجه به اهمیت آثار و شواهد معماری در کاوش‌های باستان‌شناختی، در این نوشتار سعی بر آن است تا با استناد بر نتایج کاوش نجات‌بخشی محوطه گردی گوران پیرانشهر، چگونگی تعامل باستان‌شناسان با میراث معماری به‌ویژه در کاوش‌های نجات‌بخشی مورد ارزیابی قرار گرفته و در نتیجه، با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های تأثیرگذار، از جمله عدم اولویت مطالعات معماری، کم‌توجهی به الزامات کاوش نجات‌بخشی، عدم استفاده از تخصص معماران در تیم‌های باستان‌شناسی، کم‌توجهی به رویکردهای باستان‌شناسی فضایی، عدم تناسب سطح کاوش با نیازهای پژوهشی، عدم بهره‌وری دقیق از فناوری‌های نوین و سایر موارد مؤثر را مورد راستی‌آزمایی قرار داده و در پایان نیز پیشنهادها مشخصی در جهت بهبود روش‌ها به‌منظور مطالعه، مستندنگاری و معرفی دقیق‌تر میراث معماری در کاوش‌های نجات‌بخشی ارائه گردیده است. روش تحقیق پژوهش حاضر به‌صورت تاریخی، تطبیقی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از گزارش‌ها و رویکردهای باستان‌شناسانه انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: میراث معماری، باستان‌شناسی نجات‌بخشی، گردی گوران پیرانشهر، باستان‌شناسی فضایی

^۱ استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد ایهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایهر، ایران. (نویسنده مسئول) Farzad.Mafi@iau.ac.ir

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، واحد ایهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایهر، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۱. مقدمه

آثار معماری در کاوش‌های باستان‌شناختی حیاتی است. موراث معماری افزون بر ارزش‌های ذاتی خویش از حیث معماری، زیبایی‌شناختی، فن‌شناسی و همچنین به‌عنوان اسناد و مدارک باستان‌شناسی و تاریخی نقش ارزنده‌ای در بازسازی فرهنگی گذشته دارند. بخش مهمی از بقایای معماری بشر در کاوش‌های باستان‌شناختی به دست می‌آیند و یا با رویکردهای باستان‌شناسانه مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گیرند. از همین رو درک و دریافت سیر تکوین، تطور و تحول بقایای معماری بدون در نظر گرفتن مطالعات باستان‌شناسی غیرممکن و یا ناقص است. روند پژوهش‌های میدانی باستان‌شناسی به‌ویژه در ایران نشان می‌دهد در کاوش‌های باستان‌شناسی به‌طور عمده اجزا، عناصر، مواد و مصالح معماری در قالب ساختارها مورد توجه و توصیف قرار می‌گیرند. معمولاً درک و دریافت کلیات مرتبط با فضاهای معماری و نقش سازوکارهای تأثیرگذار بیرونی در اولویت مطالعات قرار نمی‌گیرد. این نقص نسبی در کاوش‌های نجات‌بخشی مشهودتر است زیرا این کاوش‌ها دارای شرایط ویژه‌ای همانند: وضعیت اضطراری، بودجه کم، محدودیت زمانی و سرعت بالا هستند که در این میان ممکن است بخش قابل‌توجهی از میراث معماری بدون توجه به شاخص‌های مطالعات معماری در اثر محدودیت‌های ذکر شده نابود شوند.

این نوشتار در پی آن است تا ضمن تأکید بر اهمیت معماری در باستان‌شناسی و ضرورت به‌کارگیری رهیافت‌های باستان‌شناسی فضایی بر پایه نتایج حاصل از مطالعات معماری مکشوفه از کاوش نجات‌بخشی محوطه گردی گوران پیرانشهر، به بررسی و ارزیابی نوع نگاه به میراث معماری در کاوش‌های باستان‌شناسی ایران بپردازد. بدیهی است در پایان نیز پیشنهاد‌های مشخصی در جهت درک و شناخت شایسته‌تر از

طی چند دهه اخیر با افزایش پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای، از جمله سدسازی، راه‌سازی، احداث کارخانه‌ها و توسعه مناطق شهری، تعداد زیادی از محوطه‌های باستانی و تاریخی در معرض خطر نابودی قرار گرفته‌اند که با حساسیت دستگاه‌های نظارتی همانند پژوهشگاه میراث فرهنگی و پژوهشکده باستان‌شناسی، مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناختی با کثرت و حدت بیشتری مورد توجه قرار گرفته است و پروژه‌های مختلفی در نقاط مختلف کشور انجام شده است. میزان نابودی محوطه‌های تاریخی در پروژه‌های مختلف با توجه به نوع ماهیت و کارکرد آنها متفاوت است. در پروژه‌های راه‌سازی و یا توسعه مناطق شهری، خطر از بین رفتن محوطه‌ها با توجه به عملیات حفاری، تخریب به‌صورت جدی وجود دارد، ولی در پروژه‌های سدسازی اغلب محوطه‌ها به زیر آب رفته و با توجه به عمر محدود سدها که بازه حدوداً صدساله است؛ بنابر تجربه فقط لایه‌های سطحی آن‌ها دچار تخریب شده، به نحوی که یک لایه خاکستری و سیاه‌رنگ بر سطح محوطه برجا می‌ماند (عابدی، ۱۳۹۵: ۹۲). در جریان مطالعات باستان‌شناختی نجات‌بخشی و کاوش محوطه‌های تاریخی، مدارک و شواهد بسیاری از جمله ساختارهای معماری به دست می‌آید که لزوم شناخت و نحوه تعامل باستان‌شناسان به‌عنوان مجریان طرح، با این یافته‌ها بسیار حائز اهمیت است.

هر اثر معماری برآیندی از کلیه علل و عوامل مؤثر بر آن است. روابط فضایی یک مکان، معلول اقتضات کاربری آن مکان است. تناسبات معماری متأثر از معیارها و هندسه معین است و فرم تابعی از هندسه، سازه، جغرافیا، اقلیم و دیگر عوامل است (سعدوندی، ۱۳۹۹: ۳۲). از این‌رو، حضور متخصصان میان‌رشته‌ای از جمله معماران در جهت شناخت فنی و محیطی

میراث معماری، مستندسازی و حفاظت حداکثری از آن‌ها در روند مطالعات باستان‌شناسی نجات‌بخشی ارائه خواهد شد.

۲. ضرورت تحقیق

در سال‌های اخیر فعالیت‌های عمرانی فراوانی در سطح کشور در حال انجام است؛ ضرورت توسعه کشور باعث گردیده طرح‌های زیادی از جمله پروژه‌های سدسازی و انتقال آب و شبکه‌های آبیاری و زهکشی نیز در دستور کار قرار بگیرد. تداخل و تعارض این طرح‌ها با مکان‌ها و محوطه‌های باستانی و گاه ابنیه و اماکن و بافت‌های تاریخی باعث شده که تهدیدهای بالقوه‌ای از این راه متوجه آثار باستانی و تاریخی شود. انجام مطالعات تاریخی- فرهنگی و به‌ویژه کاوش‌های نجات‌بخشی به‌عنوان یکی از روش‌های مطالعه و نجات‌بخشی آثار در معرض خطر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این کاوش‌ها علی‌رغم نام و ماهیت نجات‌بخشی آن، به نظر می‌رسد در مطالعه و حفظ میراث معماری چندان موفق نبوده‌اند؛ بنابراین، توجه دادن باستان‌شناسان به ضرورت تغییر نگاه و رویکرد به میراث معماری انکارناپذیر است. عدم توجه به این مهم، باعث آسیب دیدن بیشتر میراث معماری میهن‌مان خواهد شد. از این‌رو، مقاله حاضر که در نوع خود برای اولین بار نگاشته می‌شود، گام نخست و مهم (و البته نه کافی) برای یادآوری این مبحث مهم به باستان‌شناسان است.

۳. اهداف پژوهش

- ۱) ارزیابی جایگاه «اثر معماری» و «میراث معماری» در اندیشه باستان‌شناسان میدانی و کاوشگران محوطه‌های باستانی ایران
- ۲) ارزیابی رویکردهای باستان‌شناسان ایرانی به آثار معماری در کاوش‌های نجات‌بخشی باستان‌شناسی

۳) ارزیابی روش‌ها و تکنیک‌ها و محدودیت‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی در مواجهه با آثار معماری

۴) ارائه راهکارهایی جهت بهبود روش‌ها، تکنیک‌ها و رویکردهای باستان‌شناسان جهت مطالعه دقیق‌تر و حفاظت حداکثری از میراث معماری در پژوهش‌های باستان‌شناسی

۵) ارائه پیشنهادهایی برای استفاده بهینه از امکانات و شرایط کاوش‌های نجات‌بخشی در راستای حفظ میراث معماری.

۴. پرسش‌های پژوهش

رویکرد باستان‌شناسان به آثار معماری در کاوش‌های نجات-بخشی چه تأثیری بر «میراث معماری» گذاشته است؟ چگونه می‌توان با بهبود روش‌ها و توسعه تکنیک‌ها، زمینه شناخت بهتر و حفاظت حداکثری از میراث معماری را فراهم کرد؟

۵. فرضیه پژوهش

با توجه به شواهد موجود به نظر می‌رسد رویکردهای باستان‌شناسی نجات‌بخشی به مقوله معماری باعث نوعی غفلت و آسیب به «میراث معماری» شده؛ اما با تغییر رویکرد و بهبود روش‌ها می‌توان زمینه شناخت دقیق‌تر و حفاظت بهتر از میراث معماری را فراهم کرد.

۶. روش پژوهش

روش پژوهش تحقیق حاضر به‌صورت تاریخی، تطبیقی-تحلیلی است و یافته‌ها با مطالعه گزارش‌ها و تحلیل آن‌ها در قالب رویکردهای باستان‌شناختی مورد ارزیابی و مطالعه قرار می‌گیرند.

۷. پیشنهاد پژوهش

فضا^۱ منجر شد. باستان‌شناسی فضاها تلاشی علمی در جهت بازیافت اطلاعات از ارتباطات فضایی بین سازه‌های معماری و بافت‌های کهن و همچنین الگوهای رفتاری انسان در ارتباط با موارد یادشده و شبکه‌های درون‌سایتی و برون‌سایتی پیرامون آن‌ها است (کریمیان، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۱۲). تحلیل سازمان فضایی محوطه‌های باستان‌شناسی برای تفاسیر اقتصادی و اجتماعی اهمیت بسیار دارد (Gross, 2004: 1395).

مفهوم فضا، پیچیدگی‌ها و چندگانگی‌های خاص خود را در معماری دارد؛ گاه مقصود از آن، مکان و اجزا و آحاد بناست و گاه به مجموعه‌ای از اجزای معماری گفته می‌شود که ویژگی‌های مشترکی دارند و در مواردی نیز منظور از آن کیفیت معماری و تأثیر آن و به عبارتی بیان معماری است (حجت، ۱۳۷۷: ۱۸). فضا در مفهوم کیفیت و بیان معماری، نوعی ادراک است و تأثیر متقابل معماری و انسان را بر هم بیان می‌کند؛ به عبارت دیگر، فضا کیفیتی است که انسان تحت تأثیر کالبد معماری درمی‌یابد و پدیده‌ای با جنبه‌های عینی و ذهنی است (همان: ۱۹). در این باره می‌توان فضا را جلوه‌گر ساختن قدرت احجام و روابط آن‌ها با یکدیگر و تأثیر و تأثرشان بر یکدیگر و نتیجه ادراک متوالی مکان‌ها دانست (کبیر و حکمتی، ۱۳۷۸: ۲۷۹). در باستان‌شناسی فضاها به‌جز موارد اجتناب‌ناپذیر، توصیف جنبه‌های معمارانه، زیباشناختی، گونه‌شناسی و سیر تحول تاریخی بناها و مقایسه جنبه هنری آن‌ها مدنظر نیست؛ بلکه اطلاعات فضاها، اعم از محسوس و نامحسوس، به‌صورت یک کل از دید بالا و در ارتباط با یکدیگر و در مقایسه با سایر مکان‌ها در راستای درک ماهیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سازندگان‌شان بازیافت و مطالعه می‌شوند (کریمیان و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۵ و ۱۰۶). شهرهای کهن ایران اکثراً

فعالیت‌های پیشگیرانه باستان‌شناسی و یا باستان‌شناسی نجات- بخشی در اکثر نقاط جهان در طی چند سال اخیر مورد توجه نهادهای نظارتی و ارگان‌های مرتبط با بخش میراث فرهنگی بوده و قوانین و معیارهای بسیاری را در این راستا در نظر گرفته است (Schauman-Lönnqvist, 2004: 55). در ایران نیز با رشد پروژه‌های توسعه‌ای و نظارت نهادهای مرتبط در حوزه میراث فرهنگی به مبحث باستان‌شناسی پیشگیرانه و یا درنهایت نجات‌بخشی توجه ویژه‌ای شده است و در همین راستا یک بخش مستقل در پژوهشکده باستان‌شناسی کشور به نظارت و رصد فعالیت‌های عمرانی و باستان‌شناسی نجات‌بخشی می‌پردازد. به‌واسطه کنترل آب‌های مرزی و همچنین طرح احیا دریاچه ارومیه، در چند سال اخیر مطالعات باستان‌شناسی بسیاری در حوضه سدهای پیرانشهر همانند سد سیلوه (عابدی، ۱۳۹۵)، سد کانی شینکا (آقالاری، ۱۳۹۸) و سد کانی سیب انجام گرفته است. تمرکز عمده مطالعات بر روی محوطه‌های حوضه سد کانی سیب بوده است که از جمله مهم‌ترین محوطه‌های حفاری شده می‌توان به ریک آباد (بیننده، ۱۳۹۹)، گردآشوان (شریفی، ۱۳۹۹)، سوغانلو (خانمحمدی، ۱۳۹۹)، قدکودان (گراوند، ۱۳۹۹) پشت مالان (سراقی و دیگران، ۱۳۹۹) قلات سوغانلو (میراسکندی و دیگران، ۱۳۹۹)، گردی گوران، (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۹) و سایر محوطه‌های دیگر اشاره کرد.

۸. مبانی نظری

سابقه توجه به مفاهیم مربوط به فضاها در معماری و مطالعه بافت‌های کهن به حدود صد سال پیش می‌رسد که در طی آن مطالعاتی درباره شهرهای یونان و روم انجام شد. این مطالعات در ادامه مسیر خود توجه پژوهشگران مختلف را برانگیخت و به تشکیل شاخه‌ای از باستان‌شناسی، با عنوان «باستان‌شناسی

¹ Spatial Archaeology

سطح خرد^۵: این نوع پژوهش در ساختارهای درون یک محوطه انجام می‌شود. در این سطح عوامل فرهنگی و انفرادی فضاهای اجتماعی و خصوصی به‌طور عمده‌ای بر عوامل اقتصادی استوار شده‌اند و فضاهای معماری در بستر نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اعتقادی بررسی می‌شوند؛ به‌عنوان مثال، این سطح انواع ساختمان‌ها همچون اتاق‌ها، خانه‌ها، انبارها و معابد را دربر می‌گیرد (Clark, 1977: 11). مطالعات پوگه^۶ از جمله نمونه‌های انجام شده در این سطح است.

سطح شبه‌خرد^۴: در مقیاس یک محوطه انجام می‌شود و مدل‌های اجتماعی و معماری در آن مورد استفاده است. در این سطح فضای عمومی و عوامل فرهنگی و اجتماعی از عوامل اقتصادی اهمیت بیشتری دارند، اما موقعیت اقتصادی بیشتر نمایان می‌شود. در اینجا، محوطه عبارت است از مکان جغرافیایی که دربردارنده فعالیت‌های انسانی در غالب مجموعه‌ای از ساختارهاست. این ساختارها شامل استقرارگاه مسکونی، مراکز تشریفاتی، قبرستان‌ها و مجموعه‌های صنعتی است (Clarke, 1977: 11). پژوهش‌های راپر^۵ و سامر^۶ را می‌توان به‌عنوان مطالعات انجام شده در این سطح محسوب داشت.

سطح کلان^۷: این سطح از پژوهش در بین محوطه‌ها انجام می‌شود. در این سطح، مدل‌های اقتصادی و جغرافیایی بیشتر کاربرد دارند و با مطالعات باستان‌شناسی محیطی و بافتی نیز هم‌خوانی دارد و عوامل اجتماعی و فرهنگی اساس همه عوامل است (Clarke, 1977: 13-14)؛ از جمله نمونه‌های انجام

به‌صورت مدفون در زیر زمین و یا به شکل فضاهای مخروبه باقی مانده‌اند، نمونه‌های اندکی نیز به اندازه‌ای سالم و دست‌نخورده برجا مانده‌اند که با اطمینان می‌توان ویژگی‌های آن‌ها را ثبت و تحلیل کرد (Karimian, 2010: 454). تحلیل‌های فضایی در باستان‌شناسی، اعم از باستان‌شناسی سکونتگاه‌ها، تجزیه و تحلیل مکان‌گزینی، تحلیل‌های سرزمینی، مطالعات حوضه آبرگیر، مطالعات تراکم محوطه‌ها، مطالعات درون-سایتی یا درون-ساختاری فضاها و سایر موارد در مطالعات باستان‌شناسی فضایی قابل دسته‌بندی هستند (Clarke, 1972a, p. 47). در واقع، تمام مکاتب باستان‌شناسی معاصر، علاقه‌ای گسترده و کلی‌نگر به مبحث اطلاعات باستان‌شناسی فضایی دارند. این نگاه هرچند دارای قدمت قابل‌توجهی در مکاتب باستان‌شناسی است، اما تفاوت‌های مشخصی در نوع نگاه به این نظریه وجود دارد (Clarke, 1977: 2). یکی از مهم‌ترین نظریات مورد استفاده در باستان‌شناسی فضاها، نظریه «هماهنگی قسمت‌های مختلف فضاها» است^۱ که تمام فضاهای زیستی، معیشتی، عام‌المنفعه و مذهبی را در کنار سایر فضاهای شهری مانند کوچه‌ها، گذرها، خیابان‌ها، میدان‌ها و سامانه‌های دفاعی تحلیل می‌کند (کریمیان، ۱۳۸۴: ۱۱۶). باستان‌شناسان با استفاده از این نظریه تأثیر ساختار اجتماعی را در شکل و ترکیب فضاهای عمومی و خصوصی معماری تحلیل می‌کنند (Dawson, 2002: 464) و (کریمیان و احمدی، همان: ۱۰۷). مطالعات باستان‌شناسی فضایی در مورد نگرش به محوطه‌ها و استقرارگاه‌های گذشته در سه دسته قابل تقسیم‌بندی و مطالعه هستند:

⁵ Raper 1997

⁶ Sommer 1969

⁷ Macro Level

¹ Space Syntax Theory

² Micro Level

³ Pugh, 2003

⁴ Semi-Micro Level

بسیاری از این مطالعات شواهد باستانی و نیز بناهای تاریخی وجود دارند که بنابر ضرورت بایستی کاوش اضطراری یا نجات‌بخشی در آنها انجام شود.

کاوش باستان‌شناسی در بهترین حالت، عملی ویرانگر است و این ویژگی در کاوش‌های نجات‌بخشی مشهودتر است. از سوی دیگر آثار و بقایای معماری در این نوع کاوش‌ها، با تهدیدات مستقیم (فرورفتن در زیر آب یا تسطیح و تخریب) یا غیرمستقیم قرار دارند. لذا اتخاذ راهکارهای ویژه جهت به حداقل رساندن این تهدیدات و آسیب‌های ناشی از آن از ضرورت‌های انکارناپذیر هر پروژه میدانی باستان‌شناسی نجات‌بخشی است.

۹. محوطه گردی گوران

تپه گردی گوران در فاصله ۸ کیلومتری جنوب‌شرق شهر پیرانشهر و ۱۳۰۰ متری شمال‌شرق روستای لاوین در میانه دشتی میانکوهی قرار گرفته است. وجه تسمیه تپه از روستایی به همین نام که در گذشته نه‌چندان دور (حدود بیست سال پیش) در پای تپه وجود داشته، گرفته است (قنبری، ۱۴۰۰، ۴). تپه به شکل یک برجستگی طبیعی در جهت شمالی جنوبی در مختصات جغرافیایی $E: 519259,24$ $N: 4059191,99$ گسترده شده است. این برجستگی در جهت شمالی-جنوبی ۳۶۰ متر طول و در جهت شرقی-غربی ۱۳۰ متر عرض دارد و بلندترین نقطه آن حدود ۱۰ متر نسبت به زمین‌های کف دشت ارتفاع دارد. تپه باستانی گردی گوران در نیمه جنوبی این برجستگی قرار گرفته است و به شکل تپه‌ای با قاعده گرد و نسبتاً کله‌قندی مشرف به دشت قرار گرفته است. پتانسیل‌های شکل‌گیری تپه در این بخش از دشت را می‌توان توجه به ارتفاع مناسب، منابع آبی کافی و قابل‌دسترس، خاک حاصلخیز و

شده در این سطح می‌توان به مطالعات کویت^۱ و پرمو^۲ اشاره کرد. (کریمیان و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

با توجه به موارد پیشین درمی‌یابیم که توجه به یافتن آثار معماری در کاوش‌های باستان‌شناسی ضرورت انکارناپذیر پژوهش‌های باستان‌شناسی است. برای کشف، کاوش، لایه‌برداری و آواربرداری دقیق این یافته‌های ارزشمند معماری، ضرورت برنامه‌ریزی برای مرحله پیش از کاوش (برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی متناسب و...)، حین کاوش و پس از آن (اقدامات حفاظتی و مرمتی و...) انکارناپذیر است. با این حال، در رابطه با موضوع این پژوهش، اتخاذ روش کاوش متناسب برای کشف و شناخت میراث معماری باید مدنظر باستان‌شناسان قرار گیرد.

تاکنون مطالب اندکی درباره روش کاوش در باستان‌شناسی به زبان فارسی در داخل کشور در اختیار باستان‌شناسان قرار گرفته است که برخی از این‌ها، از جمله سه مقاله یوسف مجیدزاده (مجیدزاده، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳) مقالات تألیفی هستند. همچنین ترجمه چند کتاب (دارابی، شاملو و کلبادی نژاد، ۱۳۸۲، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴) و نیز کتب تألیفی نسرین قهرمانی طایفه (قهرمانی طایفه، ۱۳۹۱) در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. در تمام این کتب و مقالات؛ مطالب علمی قابل استنادی درباره روش‌های کاوش باستان‌شناسی ارائه گردیده اما مبحث باستان‌شناسی نجات‌بخشی به دلیل جدید بودن، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

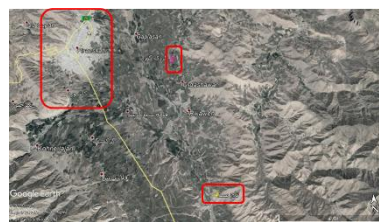
با توجه به اینکه کشور ایران، کشوری در حال توسعه است و فعالیت‌های عمرانی در گوشه و کنار آن در جریان است و از آنجا که طبق قوانین موجود انجام مطالعات تاریخی فرهنگی و باستان‌شناسی در محدوده این طرح‌ها الزامی است در طی

² Premo, 2004

¹ Kuijt, 2000

در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. این محوطه در پرونده ثبتی تحت عنوان تپه گوران ۱ و با قدمت کالکولتیک «مس‌وسنگی»، هزاره دوم قبل از میلاد، اشکانی ساسانی و قرن شش تا هشت هجری قمری معرفی شده است (قلی‌پور و بیگدلی، ۱۳۸۵: ۳). علی‌بیننده در جریان مطالعات و بررسی‌های باستان‌شناسی حوضه رودخانه زاب کوچک در جهت ارائه پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، محوطه گردی گوران را مورد مطالعه قرار داده و با توجه به سفال‌ها و یافته‌های به دست آمده دیرینگی آن را عمدتاً به هزاره اول قبل از میلاد نسبت می‌دهد (بیننده، ۱۳۸۷: ۵۷). عبیدالله سرخابی در راستای پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به مطالعه تحلیل مکانی و تبیین الگوهای استقرار عصر آهن حوضه رودخانه زاب کوچک پرداخته است و محوطه گردی گوران را تحت عنوان تپه گردی گوران ۲ معرفی کرده و با ارجاع به مطالعات گذشته، قدمت محوطه را هزاره اول قبل از میلاد می‌داند (سرخابی، ۱۳۹۵: ۱۴۳). با آغاز مطالعات و بررسی‌های حوضه آبگیر سد کانی سیب پیرانشهر، رضا حیدری محوطه گردی گوران را تحت عنوان گوران ۱ ثبت کرده و ضمن مطالعه و معرفی محوطه، قدمت آن را دوره هزاره اول قبل از میلاد و اسلامی معرفی می‌کند (حیدری، ۱۳۹۶: ۶۶ و ۷۱). فصل اول کاوش نجات‌بخشی محوطه گردی گوران توسط آزیتا میرزایی و با ایجاد یک کارگاه کاوش به ابعاد ۶×۶ متر در حاشیه جنوب شرقی تپه انجام گرفته است. با توجه به یافته‌های به دست آمده قدمت محوطه از دوره اسلامی تا دوره مفرغ قدیم معرفی شده است (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۱۵ و ۸۱۶). فصل دوم کاوش محوطه گردی گوران نیز توسط آزیتا میرزایی به انجام رسیده که نتایج آن هنوز منتشر نشده است. فصل سوم مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه گردی گوران توسط بهنام قنبری انجام گرفته است (قنبری، ۱۴۰۰: ۱) که مبنای نوشتار حاضر است.

آب‌وهوای مناسب در نظر گرفت. تا سال ۱۳۶۵ روستای گردی گوران در دامنه جنوب شرقی و پایین‌دست این تپه باستانی قرار داشته اما پس از سال ۱۳۶۵ به واسطه یک سری اتفاقات شبه‌نظامی درون منطقه‌ای این روستا متروک شده و به مرور خانه‌های آن تخریب، تسطیح و محل روستا به زمین کشاورزی اهالی روستا تبدیل شده است. در دوران حیات روستای گردی گوران، سطح تپه گردی گوران که وسعت نسبتاً زیادی دارد به محلی برای دفن مردگان روستا مبدل شده بود؛ بنابراین در بخش وسیعی از تپه، گورستان بزرگ با فراوانی و تراکم گورهای اسلامی متأخر تا معاصر قابل مشاهده است. آخرین گور و تدفین انجام گرفته در این گورستان مربوط به تاریخ ۱۳۶۵/۱۱/۲۵ و متعلق به شهید مصطفی محمودی است. وجود روستای گردی گوران در فاصله بسیار نزدیک به این تپه باستانی آسیب‌های جبران‌ناپذیری به آن وارد کرده است. ایجاد گورستان در سطح تپه تمام لایه‌های بالایی تپه تا عمق نزدیک به ۱ متر را نابود کرده است. همچنین خاک‌برداری از حاشیه جنوب شرقی تپه و بریده شدن بخشی از دامنه تپه در این قسمت، لایه‌های باستانی حاوی مواد فرهنگی را برای همیشه از بین برده است (همان).



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای از موقعیت شهر پیرانشهر، تپه گردی گوران و تاج سد کانی سیب (قنبری، ۱۴۰۰: ۵)

محوطه تپه گردی گوران پیرانشهر نخستین بار در سال ۱۳۸۵ شمسی توسط کارشناسان اداره کل میراث فرهنگی استان آذربایجان غربی مورد شناسایی قرار گرفت و با شماره ۱۶۸۴۳

تصویر ۳. موقعیت تپه گردی گوران نسبت به رودخانه در تصویر هوایی، خط زرد برجستگی موسوم به گردی گوران و خط قرمز محدوده استقرار که ترانشه در این بخش ایجاد شده است (قنبری، ۱۴۰۰: ۷)



تصویر ۲. عکس هوایی تپه گوران، دید از شمال غرب، گرفته شده در شروع فصل سوم (قنبری، ۱۴۰۰: ۶)

در بالاترین سطوح کاوش محوطه گردی گوران، فراوانی گورهای اسلامی متأخر از دوره قاجار تا عصر حاضر لایه‌های باستانی تپه را بسیار آشفته و مضطرب کرده است، این وضعیت تا عمق نزدیک به ۱/۵ متر مشهود است. در زیر گورهای اسلامی متأخر و بر اساس مواد فرهنگی به دست آمده خصوصاً قطعات سفالی می‌توان یک لایه فرهنگی آشفته مربوط به دوره تاریخی (اشکانی)^۱ را تشخیص داد که در نتیجه حفر گورهای بسیار زیاد به شدت تخریب شده است. در زیر این لایه دوره تاریخی، برای اولین بار با سطوح معماری سنگی ولی کمتر آشفته شده در نتیجه حفر گورهای اسلامی قابل مشاهده است که با توجه به فراوانی قطعات سفال شاخص عصر آهن^۲ و گونه سفال نخودی با اسلیپ کرم صیقلی شاید بتوان آن را در محدوده زمانی عصر آهن III و شاید فرهنگ مانایی^۳ گاه‌نگاری کرد. در بین نمونه‌های سفالی این دوره که بیشتر به شکل سفال‌های قرمز و نارنجی هستند، سفال‌های ظریف کرم‌رنگ با سطح صیقلی، شاخص عصر آهن III و فرهنگ مانایی شاخص‌ترین گونه هستند. پس از برداشتن این لایه بر خلاف فصول قبل که در زیر معماری سنگی عصر آهن، دیوارهای خشتی دوره مفرغ جدید^۴ نمایان شد، بقایای سطوح معماری سنگ‌چین دوره مفرغ جدید به شکل فضاهای مختلف و الحاقاتی چون سکو و حوض نمایان شد. در زیر این لایه معماری عصر مفرغ جدید، سطوح معماری خشتی به دست آمد که سفال‌های هم‌سطح با آن بیشتر متعلق به عصر مفرغ میانی هستند. با توجه به سطح گسترده

۱۰. کاوش فصل سوم محوطه گردی گوران

فصل سوم کاوش باستان‌شناسی محوطه گردی گوران با مجوز رسمی از سوی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور با شماره مجوز ۴۰۰۳۴۳۱۴ از تاریخ ۱۴۰۰/۸/۱۹ تا ۱۴۰۰/۹/۱۸ صورت گرفت. در کاوش مذکور سه نفر از دانش‌آموختگان رشته باستان‌شناسی به همراه ۶ نفر کارگر فنی حضور داشته‌اند. مطالعات استخوان‌شناسی نیز توسط حسین داوودی در حال انجام است. با توجه به قرارگیری محوطه بر روی یک تراس طبیعی و پراکندگی شواهد فرهنگی در زمین‌های اطراف، مساحت محوطه در حدود ۴۸ هزار مترمربع است. کارگاه کاوش احداث شده در فصل سوم دارای ابعاد ۷×۷ متر و مساحت ۴۹ مترمربع است (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۰).



^۳ مانایان از قرن ۹ تا ۷ قبل از میلاد در جنوب دریچه ارومیه دارای پادشاهی بوده‌اند (حسن‌زاده و کرتیس، ۱۴۰۰: ۹)

^۴ مقطع زمانی ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد را می‌توان دوره مفرغ جدید یا متأخر نامید (طلایی، ۱۳۸۸: ۶۶).

^۱ اشکانیان در بازه زمانی بین هخامنشیان تا ظهور ساسانیان به مدت پنج قرن و نیم (۳۲۳ قبل از م تا ۲۲۶ بعد از م) حکومت کرده‌اند (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۴).

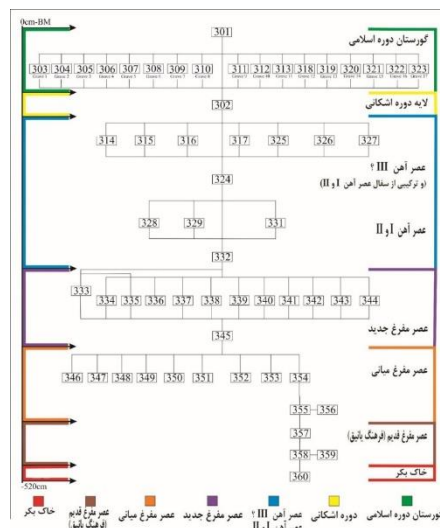
^۲ به بازه زمانی شامل هزار سال (۱۵۰۰ تا ۵۵۰ قبل از میلاد) دوره آهن در فلات ایران قلمداد می‌شود (طلایی، ۱۳۸۹: ۴۰).

در نتیجه کاوش فصل سوم محوطه گردی گوران و ساختارهای معماری به دست آمده و با توجه به تخریب‌های صورت گرفته در اثر تدفین‌های دوره اسلامی، شواهد معماری از دوره اشکانی به صورت آشفته و غیرقابل شناسایی بوده و مستندنگاری از دوره سوم (دوره آهن) به بعد انجام گرفته است:

۱۲. دوره آهن

اولین شواهد معماری گردی گوران، مربوط به دوره فرهنگی آهن است. بر اساس شواهد فرهنگی و تاریخ‌نگاری نسبی سفال‌ها می‌توان دو فاز برای این دوره تعریف کرد. فاز اول در بازه زمانی عصر آهن III قرار می‌گیرد و معماری این لایه متشکل از سازه‌های سنگی است. این معماری شامل دو دیوار سنگی طولی در جهت شمال غربی - جنوب شرقی است که با استفاده از قلوه‌سنگ‌های طبیعی نسبتاً بزرگ ساخته شده‌اند و از ارتباطشان یک فضای معماری طولی و دالان مانند شکل گرفته است که کف آن‌ها با استفاده از قلوه‌سنگ‌های کوچک همگون سنگفرش شده است. دیوارهای این فضا با استفاده از سنگ‌های بزرگ چیدمان شده‌اند. بخش داخلی فضا حدود ۱۵۰ سانتی‌متر عرض دارد و کف آن با استفاده از قلوه‌سنگ‌های بزرگ و کوچک و ملاط کاه‌گل، فرش شده است. در بخش شرقی این فضا بر روی کف شواهد دو فضای بیضی‌شکل که احتمالاً به‌عنوان انبارک یا محلی برای نگهداری مواد غذایی یا هر چیز دیگری به دست آمده است.

کاوش در فصل سوم و ضخامت لایه‌های کاوش شده، دسترسی به لایه‌های پایین‌تر از دوره مفرغ میانی در روزهای پایانی کاوش محقق شد. به همین دلیل برای تسریع روند کاوش و رسیدن به نتایج کامل، ادامه کاوش به شکل پیشرو در کنج جنوب شرقی کارگاه کاوش و در داخل یک فضای معماری مرتبط با دوران مفرغ میانی پیش رفت. در این بخش با برداشتن کف گل‌اندود این فضا و در زیر آن برای اولین بار در کاوش تپه گردی گوران، سفال‌های سیاه داغ‌دار مربوط به بازه زمانی عصر مفرغ قدیم و فرهنگ یانیق^۱ (کورا-ارس) و شواهد معماری خشتی این دوره از لایه برجا به دست آمدند (قنبری، ۱۴۰۰: ۱۲۳).



تصویر ۴. نمودار توالی لایه‌ها در کاوش فصل سوم تپه گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰: ۱۸۶)

۱۱. برآیند شواهد معماری گردی گوران

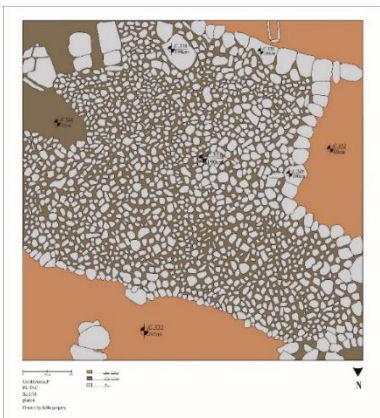
و نیکنامی، ۱۳۹۰: ۴۱). نام‌گذاری کورا-ارس به دلیل قرارگیری محوطه‌های این فرهنگ در حدفاصل دو رود کورا در منطقه **قفقاز** و ارس در شمال غرب ایران است.

^۱ از حدود ۳۰۰۰ تا ۳۲۰۰ قبل از میلاد اقوامی با شاخص‌های فرهنگی مشخص تحت عنوان اقوام یانیق یا کورا-ارسی در شمال غرب ایران ساکن بوده‌اند. (مترجم

به بیرون از فضای ترانسه کشیده شده است (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۴۰).



تصویر شماره ۷. فاز دوم معماری عصر آهن گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۴۲)



تصویر شماره ۸. پلان فاز دوم معماری آهن گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۴۵)

۱۳. دوره مفرغ جدید

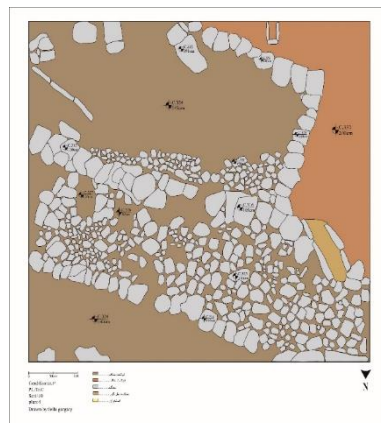
از این دوره سه فضای مجزا در ترانسه مورد شناسایی قرار گرفت که کل فضای ترانسه را در بر می‌گیرند. دیوارهای اصلی با سنگ و ملات گل ساخته شده و کف فضاها به صورت گل کوب است. در فضاها شمالی و جنوب غربی بر روی کف اجاق تعبیه شده است. بر روی کف‌های این دوره شواهد سوختگی دیده می‌شود.

۱۶۹

سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱



تصویر شماره ۵. فاز اول معماری عصر آهن گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۴۱)



تصویر شماره ۶. پلان فاز اول معماری آهن گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۴۴)

فاز دوم در بازه زمانی دوره آهن ۱ و ۲ قرار می‌گیرد و از نظر ارتباط لایه‌نگاشتی زیر فاز اول معماری این دوره قرار گرفته است. معماری این فاز نیز از نوع معماری سنگی است و کل فضای ترانسه را در بر می‌گیرد. در این فاز معماری نیز دیوارهای اصلی با سنگ‌های بزرگ و ساخته شده و فضای داخلی دیوارها با قلوه‌سنگ‌های کوچک و ملاط کاه‌گل سنگفرش شده است. با توجه به وضعیت این فاز معماری و وجود کف سنگفرش شده وسیعی که کل فضای ترانسه را در بر گرفته مشخص است با یک فضای بزرگ مواجه هستیم که امتدادش از شرق و غرب



تصویر شماره ۱۱. حوض سنگی، مفرغ جدید گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۵۱)



تصویر شماره ۱۲. پاشنه در، مفرغ جدید گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۵۲)



تصویر شماره ۱۳. پاشنه در، مفرغ جدید گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۵۲)

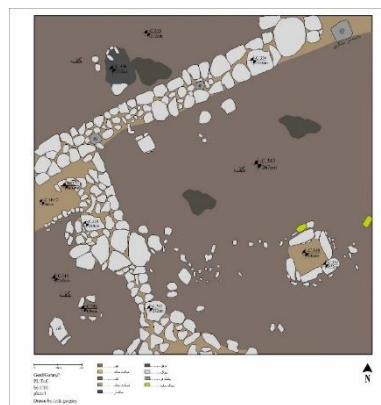


تصویر شماره ۱۴. پاشنه در، مفرغ جدید گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۵۱)

فضای بزرگ مرکزی نیز کف گلی دارد و در بخش جنوب شرقی آن یک حوضچه سنگی ساخته شده است. در کنار این حوضچه یک سنگ ساب در بافت کف کار گذاشته شده بود. فراوانی سنگ‌های ساب در اندازه‌های مختلف و همچنین وجود دیگر عناصر معماری همانند پاشنه درهای تراش‌خورده سنگی و سکوها، از شاخصه‌های فرهنگی این دوره به شمار می‌روند (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۴۸).



تصویر شماره ۹. معماری عصر مفرغ جدید گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۵۰)

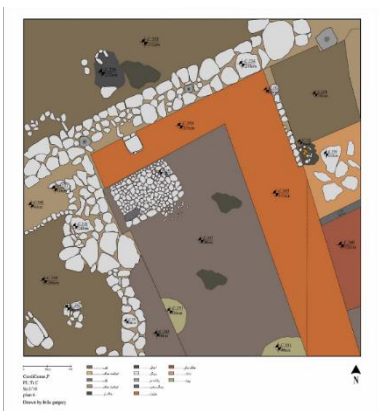


تصویر شماره ۱۰. پلان معماری مفرغ جدید گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۵۶)

۱۴. دوره مفرغ میانی^۱



تصویر شماره ۱۵. معماری عصر مفرغ میانی گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۶۲)



تصویر ۱۶. پلان معماری مفرغ میانی گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۶۸)



تصویر ۱۷. خشت‌های به کار رفته در بافت دیوارهای دوره مفرغ میانی گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۶۲)

معماری به دست آمده از این دوره به شکل دیوارهای خشتی پهن است که تا ۱ متر عرض دارند. این دیوارها از خشت‌های قالبی مربعی و مستطیلی شکل که میانگین ابعاد $۱۲ \times ۴۵ \times ۴۵$ سانتی‌متر دارند، ساخته شده‌اند. در بین خشت‌ها از ملات گلی استفاده شده و به نظر می‌رسد در نمای درونی دیوارها از یک لایه ضخیم اندود گلی استفاده شده است. معماری دوره مفرغ میانی گردی گوران شامل دو فضای مجزا است. فضای اصلی و بزرگ‌تر از ارتباط دو دیوار خشتی و کف‌های گلی در ارتباط با این دیوار شکل گرفته است. کف فضای بزرگ گل‌اندود شده و در گوشه شمال غربی این فضا یک سکوی سنگی مستطیلی ساخته شده که بر روی آن یک سنگ ساب سالم کار گذاشته شده است. در بخش جنوبی این کف شواهد دو پیت^۲ مشخص شد. در نتیجه کاوش در این فضا مشخص شد دیوارهای خشتی در این فاز معماری بر روی یک پی‌سازی سنگی ساخته شده‌اند. در برخی قسمت‌ها بروی کف‌های گلی این دوره شواهد ردنی و حصیر بر سطح کف مشهود است. در بخش‌هایی نیز کف با تخته‌سنگ‌های صاف بزرگ سنگفرش شده و در کنج غربی این کف غربی یک اجاق سنگی مدور وجود دارد که درون آن پر از خاکستر و استخوان و قطعات سفال آشپزخانه‌ای است. از کنار این اجاق قطعات خشت‌هایی به دست آمد که در نتیجه حرارت زیاد کاملاً پخته شده و به مرحله آجر شدن رسیده است (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۵۸).

^۱ بازه زمانی بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ قبل از میلاد را شامل می‌شود.

^۲ در ادبیات باستان‌شناسی پیت به معنای چاله زباله است. چاله‌هایی که در بافت لایه قدیمی‌تر حفر می‌شوند.



تصویر ۲۲. خشت‌های کنار اجاق که در نتیجه حرارت مداوم پخته شده و به شکل آجر درآمده‌اند (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۶۶)



تصویر ۱۸. سکوی سنگی و سنگ ساب روی آن در فاز مفرغ میانی گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۶۳)

۱۵. دوره مفرغ قدیم (یانیق)

معماری مرتبط با این دوره در تحتانی‌ترین بخش‌های کاوش شده و روی خاک بکر قرار گرفته است. ماهیت این دوره بر اساس قطعات سفالی سیاه و براق صیقلی و داغدار شاخص عصر مفرغ قدیم (فرهنگ کورا-ارس) و همچنین اختلاف عمق با آخرین سطوح استقرار عصر مفرغ جدید شناسایی شده است. شواهد لایه برجای مانده مربوط به این دوره در کاوش گمانه پیشرو کارگاه کاوش و در زیر آخرین کف دوره مفرغ میانی به دست آمده است. مصالح به کار رفته در ساختارهای معماری این دوره از جنس خشت و در سه رج قابل‌شناسایی و مستندنگاری است. خشت‌ها در حدود ۴۰ سانتی‌متر طول و ۱۲ تا ۱۵ سانتی-متر عرض دارند. بین هر رج خشت دو سانتی‌متر ملات کاه‌گل به کار رفته است (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۷۰).



تصویر ۱۹. اجاق سنگی مفرغ میانی گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۶۴)



تصویر ۲۰. پی سنگی دیوارهای خشتی در دوره مفرغ میانی گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۶۴)



تصویر ۲۱. بقایای ردنی یا حصیر بر روی آخرین کف دوره مفرغ میانی (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۶۶)

همچنین ارائه تصویر کامل‌تری از نقشه و پلان بناها، کاوش ارگانیک در دستور کار قرار می‌گیرد. در کاوش گردی گوران این اصل مورد توجه قرار نگرفته است. دلیل این امر را می‌توان نتیجه عدم اختصاص بودجه کافی برای کاوش در نظر گرفت.

(۳) عدم اولویت میراث معماری در کاوش‌های باستان‌شناختی؛ با وجود ارزش غیرقابل انکار مواد فرهنگی (اشیا و قطعات سفالی) در تحلیل‌ها و نتایج علمی، تأکید بسیار بر مواد فرهنگی سبب کم‌توجهی به اجزا، عناصر، مواد، مصالح، ساختارهای معماری و بافت‌ها می‌شود. بهره‌گیری از تجارب یک متخصص معمار آشنا با مباحث معماری و شهرسازی ایرانی در تمام مراحل کاوش نجات‌بخشی (برنامه‌ریزی و تدوین طرح پژوهش؛ و حین کاوش و اقدامات حفاظتی و مرمتی پس از اتمام کاوش) به نحو بارزی باعث شناخت و درک بهتر میراث معماری گردیده و زمینه مناسبی جهت تحلیل‌های باستان‌شناختی مبتنی بر رویکردهای «باستان‌شناسی فضاها» را فراهم خواهد نمود. بدیهی است در این صورت هم میراث معماری بهتر مطالعه، شناسایی و معرفی می‌گردد و هم اینکه یافته‌های معماری در کاوش تبدیل به داده‌های معتبر گردیده و باعث غنای هر چه بیشتر تحلیل‌های علمی خواهد شد.

(۴) عدم رعایت استانداردهای علم معماری در مستندسازی و برداشت آثار معماری در کاوش‌های باستان‌شناختی سبب می‌شود؛ تا به‌رغم تلاش قابل‌تقدیر کارشناسان باستان‌شناسی در جهت مستندسازی و برداشت دقیق از آثار، به دلیل عدم تخصص در معماری و علم هندسه، شواهد و ساختارها با استانداردهای دقیق علم معماری ثبت و مستندنگاری نشوند. بر همین اساس شواهد و ساختارهای معماری در لابه‌لای سایر یافته‌های منقول و غیرمنقول

تصویر شماره ۲۳. معماری خشتی، مفرغ قدیم گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۷۱)



تصویر شماره ۲۴. بقایای معماری خشتی، مفرغ قدیم گردی گوران (قنبری، ۱۴۰۰، ۱۷۱)

۱۶. تحلیل فضایی ساختارهای معماری محوطه گردی گوران

نظر به سطح‌بندی ارائه شده در تحلیل‌های فضایی محوطه‌ها و بافت‌های تاریخی، کاوش محوطه گردی گوران را می‌توان در سطح خرد مورد مطالعه قرارداد. بر همین اساس و در راستای خوانش بهتر شاخصه‌های فضایی در کلیت کاوش‌های باستان‌شناسی و به‌صورت جزئی با تأکید بر کاوش گردی گوران را بر اساس موارد زیر می‌توان مورد ارزیابی قرار داد:

نقاط ضعف:

- (۱) عدم تناسب سطح کاوش باستان‌شناسی صورت گرفته با گستره فضاهای معماری مدفون در زیر لایه‌های باستانی، محوطه گردی گوران با وسعت ۴۸ هزار متری تنها ۵۰ مترمربع مورد کاوش قرار گرفته است.
- (۲) عدم به‌کارگیری کاوش پی‌گردی یا کاوش ارگانیک: در این نوع روش از کاوش‌های باستان‌شناختی پس از نمایان شدن ساختارهای معماری به‌منظور دستیابی به فضاها و

محدودیت‌ها یا انجام فعالیت‌های کاوش، سبب از بین رفتن بخش قابل توجهی از ساختارها و شواهد معماری می‌شود. ♦ (۱) عدم تناسب بودجه و زمان نامناسب انجام پروژه‌های کاوش نجات‌بخشی جهت مطالعه دقیق میراث معماری را می‌توان به‌عنوان عامل اصلی در کمبودها و نقایص کاوش در نظر گرفت. در واقع می‌توان عامل اصلی تمام آیت‌های بالا را، نبود بودجه کافی برای پروژه‌های نجات‌بخشی عنوان کرد. در نتیجه فقدان بودجه کافی، دست کاوشگر برای در اختیار گرفتن متخصص معمار، انجام مطالعات ژئوفیزیک و حتی امکان پی‌گردی آثار معماری در خارج از فضای ترانشه کاملاً بسته است و کاوشگر باید با بودجه محدود در حد توان تمامی جزئیات کاوش را مورد توجه قرار دهد و امکان انجام کارهای بیشتر را ندارد.

۱۷. پیشنهادات

- ۱) لزوم انجام کاوش گسترده در محوطه‌هایی که دارای وسعت زیاد هستند
- ۲) اتخاذ روش کاوش ارگانیک یا پی‌گردی در محوطه‌هایی که دارای ساختارهای معماری شاخص هستند
- ۳) لزوم در اولویت قرار گرفتن شواهد معماری در کاوش‌های باستان‌شناختی، همانند سایر اشیا و یافته‌های منقول
- ۴) بهره‌گیری از تجارب و تخصص معماران مجرب در کاوش‌های باستان‌شناسی به‌منظور برداشت فنی و ترسیم دقیق یافته‌ها و ساختارها
- ۵) توجه به رهیافت‌های باستان‌شناسی فضایی در طول کاوش باستان‌شناسی و تحلیل نتایج حاصل از آن
- ۶) انجام مطالعات تطبیقی معماری ادوار تاریخی با معماری بومی معاصر و لزوم توجه به مطالعات قوم

مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند. در کاوش محوطه گردی گوران نیز به‌رغم اینکه کاوشگر یک فصل مجزا را به شرح معماری و لایه‌نگاری اختصاص داده است، اما نظر به رویکرد و نگاه غالب باستان‌شناسانه در تحلیل و نتایج صورت گرفته، آن‌گونه که باید و شاید مباحث معماری مورد توجه قرار نگرفته است.

۵) عدم توجه به رهیافت‌ها و راهکارهای باستان‌شناسی فضایی در مواجهه با میراث معماری: همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد در باستان‌شناسی فضاها، توجه ویژه‌ای به آثار معماری و پراکنش آنها، ارتباط فضایی بین آثار معماری و ارتباطات درون-شبکه‌ای و برون-شبکه‌ای میراث معماری می‌شود. با وجود توجه به جزئیات، کلیت معماری در نظر گرفته شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در کاوش نجات‌بخشی محوطه گردی گوران، به نظر می‌رسد همانند بسیاری از کاوش‌های باستان‌شناسی دیگر بیشتر به جزئیات معماری توجه شده است و روابط فضایی و همچنین تصویر کلی از میراث معماری در تحلیل فضاها مورد غفلت قرار گرفته است.

- ۶) عدم مقایسه تطبیقی با معماری بومی معاصر و فقدان انجام مطالعات قوم باستان‌شناسانه
- ۷) عدم مقایسه تطبیقی بقایای معماری دوره‌های به دست آمده با محوطه‌های هم‌دوره
- ۸) عدم انجام مطالعات ژئوفیزیک، ژئوآرکیولوژی و فناوری‌های نوین در کاوش‌های باستان‌شناختی
- ۹) انجام مطالعات باستان‌شناسی در فصل مناسب سال: در طی چند سال اخیر بیشتر فعالیت‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی در حوضه سد کانی سیب و محوطه گردی گوران در فصل نامناسب همانند پاییز و زمستان صورت گرفته است. بارش‌ها و وضعیت جوی افزون بر ایجاد

دست پیدا کنیم. در این میان با توجه به محورهای نوشتار حاضر، عمده مشکلات حوزه میراث معماری که باستان‌شناسان در طی کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسانه با آن روبرو هستند، عدم وجود متخصص مجرب حوزه تاریخ معماری است. نظر به ماهیت میان‌رشته‌ای بودن علم باستان‌شناسی و همچنین به‌رغم تلاش حداکثری باستان‌شناسان در شناخت و مستندنگاری بقایای معماری، فقدان یا کم‌توجهی به رویکردهای باستان‌شناسی فضایی و همچنین نبود اندیشه معمارانه سبب می‌شود تا بخش مهمی از اطلاعات و نتایج در اثر موارد ذکر شده از بین رفته و یا به‌صورت ناقص به آن توجه شود. لزوم توجه به رویکردها و علوم نوین همانند مطالعات ژئوفیزیک در به‌کارگیری روش‌ها و بینش علمی به باستان‌شناسان کمک خواهد کرد. انجام مطالعات قوم باستان‌شناسی با تأکید بر ساختارهای معماری در محدوده مکانی پژوهش، افزون بر ثبت و مستندنگاری این شواهد سبب می‌شود تا باستان‌شناسان در برخورد با ساختارهای معماری به درک و استنباط دقیق‌تری دست یابند. البته باید خاطرنشان کرد در بسیاری از موارد محدودیت‌های زمانی و مالی باعث ایجاد مشکلات در این حوزه می‌شود که از جمله این موارد: عدم اختصاص بودجه مناسب سبب محدودیت‌های باستان‌شناسان در جهت به‌کارگیری متخصصان میان‌رشته‌ای از جمله معماران منجر می‌شود، اعطای مجوز کاوش باستان‌شناسی در فصول بارشی و نامناسب همانند پاییز و زمستان علاوه بر هدر رفتن بخش زیادی از بودجه، سبب از بین رفتن ساختارهای معماری خشتی و یا چینه‌ای می‌شود؛ به همین دلیل مطالعه موردی این پژوهش یعنی کاوش‌های نجات‌بخشی گردی گورانی پیرانشهر با وجود تلاش‌های ارزنده تیم باستان‌شناسی اما میراث معماری آن‌گونه که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته؛ روش کاوش در نظر گرفته شده متناسب برای کشف آثار معماری نیست؛ بخش‌های عمده‌ای از آثار

باستان‌شناسی در بازشناسی میراث معماری محدوده پژوهش

۷) اختصاص زمان و پژوهش بیشتر در راستای مطالعه نمونه‌های تطبیقی میراث معماری در محوطه‌های هم‌دوره کاوش شده

۸) بهره‌گیری از فناوری‌های نوین از جمله مطالعات ژئوفیزیک در بازشناسی شواهد معماری و نیز بازخوانی ارتباط فضایی بین سازه‌های مکشوفه و مدفون معماری در محوطه تاریخی

۹) لزوم توجه به برنامه‌ریزی هدفمند کاوش‌ها در فصول غیر بارشی و متناسب با شرایط اقلیمی هر منطقه در راستای بهره‌وری حداکثری از زمان و بودجه

۱۰) مطالعات و برنامه‌ریزی‌های مدیریتی متناسب با هر محوطه در یک برنامه مجزا و مشخص ارائه شود. به‌عنوان مثال در پروژه‌های نجات‌بخشی که اخیراً در حوضه سد کانی سیب پیرانشهر عملیاتی شده است، فارغ از وسعت و میزان عمق لایه‌ها در محوطه‌ها، بودجه و زمان کاوش یکسانی تعلق گرفته است که در برآیند نتایج کاوش‌ها از طرف پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، محوطه کوچک‌تر و با عمق لایه‌های کمتر با محوطه‌های بزرگ‌تر و عمق لایه‌های بیشتر مورد مقایسه و ارزیابی قرار گرفته‌اند.

۱۸. نتیجه‌گیری

بخش قابل‌توجهی از یافته‌های به دست آمده در کاوش‌های باستان‌شناسی، شواهد و ساختارهای معماری هستند که لزوم مطالعه دقیق و جامع این آثار سبب می‌شود تا افزون بر مستندنگاری و ارائه تصویر روشن از آثار به دست آمده، به درک و خوانش دقیق‌تری از زندگی جوامع طی دوره‌های زمانی گذشته

نجات‌بخشی بسیار ضروری است. این موضوع در محوطه‌هایی که دارای عناصر شاخص معماری ادوار تاریخی هستند همانند محوطه گردی گوران بیشتر به چشم می‌آید امید است در پژوهش‌های پیش رو با افزایش تعاملات و همکاری بین باستان‌شناسان و معماران زمینه مناسب‌تری برای مطالعه؛ شناخت؛ کشف و معرفی دقیق‌تر میراث معماری در باستان‌شناسی نجات‌بخشی فراهم آید.

معماری مورد کاوش قرار نگرفته همچنین مطالعه تطبیقی آثار معماری به‌دست آمده با سایر نمونه‌های مشابه به‌خوبی انجام نشده؛ و از این‌رو، به‌طور کلی در این پژوهش یافته‌های معماری تا حد زیادی تحت‌الشعاع نگاه و رویکرد باستان‌شناسانه این پژوهشگران قرار گرفته، به‌گونه‌ای که جای خالی یک متخصص معماری تمام مراحل پژوهش احساس می‌گردد. در پایان لازم به ذکر است که بهره‌گیری از علم معماری و تخصص معماران در تمام مراحل برنامه‌ریزی اجرای یک پروژه باستان‌شناسی

منابع

- آقالاری، بایرام (۱۳۹۷). «بررسی باستان‌شناسی محدوده سد کانی شینکا پیرانشهر». مجموعه مقالات کوتاه شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات سال ۱۳۹۶) به کوشش روح‌الله شیرازی؛ ویراستار اشکان زارع، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- بیننده، علی (۱۳۸۷). بررسی باستان‌شناسی حوضه رودخانه زاب کوچک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- بیننده، علی (۱۳۹۹). «کاوش نجات‌بخشی تپه ریک آباد، حوضه زاب کوچک». مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران / گردآورنده روح‌الله شیرازی؛ ویراستار مرتضی خانی پور و ام‌البین غفوری، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- حجت، مهدی (۱۳۷۷). «فضا»، رواق، شماره ۱، ۱۷-۲۷.
- حسن‌زاده، یوسف و جان کرتیس (۱۴۰۰). کاتالوگ نمایشگاه آجرهای لعاب‌دار بوکان استرداد از کشور سوئیس، تهران موزه ملی.
- حیدری، رضا، (۱۳۹۶). بررسی محوطه‌های باستانی حوضه سد کانی سیب پیرانشهر. تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- خان محمدی، بهروز (۱۳۹۹). «دومین فصل کاوش نجات‌بخشی محوطه سوغانلو، محدوده سد کانی سیب پیرانشهر، استان آذربایجان غربی». مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران / گردآورنده روح‌الله شیرازی؛ ویراستار مرتضی خانی پور و ام‌البین غفوری، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- دروٹ، پیتر ال. (۱۳۹۲). درآمدی بر باستان‌شناسی میدانی، ترجمه حجت دارابی، تهران: سمت.

- سراقی، سیاوش، عباس محمدی و میترا پریدار (۱۳۹۹). «پشت مالان، نویافته دوره مفرغی حوزه زاب». مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران / گردآورنده روح‌الله شیرازی؛ ویراستار مرتضی خانی پور و ام‌البنین غفوری، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- سرخابی، عبیدالله (۱۳۹۵). تحلیل مکانی و تبیین الگوهای استقراری حوضه‌ی رودخانه‌ی زاب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی (منتشر نشده).
- سعدوندی، مهدی و مائده کلانتری (۱۳۹۹). «مراتب حفاظت از میراث معماری»، فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران، سال دهم، شماره بیست و چهارم، صص ۳۱-۴۲.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۶۵). «باستان‌شناسی و علوم دیگر»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۱.
- شریفی، مهناز (۱۳۹۹). «فصل اول کاوش باستان‌شناسی گردآشوان در حوضه زاب کوچک». مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران / گردآورنده روح‌الله شیرازی؛ ویراستار مرتضی خانی پور و ام‌البنین غفوری، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- طایفه قهرمانی، نسرين (۱۳۸۸). باستان‌شناسی میدانی (اصول سیستماتیک در کاوش‌ها)، تهران: ناشر مؤلف.
- طایفه قهرمانی، نسرين (۱۳۹۱). باستان‌شناسی میدانی (اصول سیستماتیک در کاوش‌ها)، تهران: طهوری.
- طلائی، حسن (۱۳۸۸). عصر مفرغ ایران، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.
- طلائی، حسن (۱۳۸۹). عصر آهن ایران، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.
- عابدی، اکبر (۱۳۹۵). «پروژه‌های باستان‌شناختی سدهای ایران؛ کاوش نجات‌بخشی اضطراری یا حفاظت و مرمت»، پژوهش باستان‌سنجی، سال دوم، شماره دوم، صص ۹۱-۹۲.
- عابدی، اکبر (۱۳۹۷). «گزارش نخستین فصل کاوش تپه سیلوه پیرانشهر شواهدی از دوره دالما تا عصر آهن». مجموعه مقالات کوتاه شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات سال ۱۳۹۵) به کوشش روح‌الله شیرازی؛ ویراستار اشکان زارع، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- عبدی، کامیار (۱۳۸۸). «باستان‌شناسی و پتانسیل آموزشی آن»، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، س ۱، ش ۲.
- علیزاده، عباس (۱۳۷۴). «اهمیت و شناخت روش‌های بررسی در باستان‌شناسی»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۱۷.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۰). تئوری و عمل در باستان‌شناسی (با فصل‌هایی در زیست‌شناسی تحولی و معرفت‌شناسی)، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- علیزاده، عباس (۱۳۸۳). «نظریه و عمل در باستان‌شناسی»، گزارش‌های باستان‌شناسی، س ۳.
- علیزاده، عباس (۱۳۹۳). تئوری و عمل در باستان‌شناسی (با فصل‌هایی در زیست‌شناسی تحولی و معرفت‌شناسی)، تهران: ایران نگار.
- فاگان، برایان (۱۳۸۲). سرآغاز، ج ۱، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران، سمت.

- فلاحیان، یوسف (۱۳۹۹). «فصل دوم کاوش در محوطه کاسه‌گران ۴ و فصل اول کاوش در محوطه کاسه‌گران اجملی». مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران / گردآورنده روح‌الله شیرازی؛ ویراستار مرتضی خانی پور و ام‌البنین غفوری، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- قلی‌پور، خیرالله و فریبا بیگدلی (۱۳۸۵). گزارش پرونده ثبتی تپه گرد گوران ۲. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان آذربایجان غربی.
- قنبری، بهنام (۱۴۰۰). گزارش کاوش نجات‌بخشی فصل سوم محوطه گردی گوران، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، مرکز اسناد پژوهشگاه باستان‌شناسی. (گزارش منتشر نشده)
- کبیر، اختر و شیوا حکمتی (۱۳۷۸). «ادراک فضا»، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ارگ بم کرمان، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۲۷۱-۲۸۴.
- کریمیان، حسن (۱۳۸۴). «ضرورت بهره‌گیری از تئوری‌های جدید در تحلیل ساختار فضایی بافت‌های کهن». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، دانشگاه تهران، دوره ۵۶، شماره ۱۷۲، ۱۱۱-۱۲۱.
- کریمیان، حسن و عباسعلی احمدی (۱۳۹۴). «باستان‌شناسی فضایی؛ رویکردی علمی در تحلیل آثار معماری، فضاهای شهری و بافت‌های کهن» مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۰۳-۱۱۶.
- گراوند، افراسیاب و فاطمه ملک پور (۱۳۹۹). «گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش نجات‌بخشی محوطه قد کودان». مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران / گردآورنده روح‌الله شیرازی؛ ویراستار مرتضی خانی پور و ام‌البنین غفوری، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- مترجم، عباس و کمال‌الدین نیکنامی (۱۳۹۰). «عصر مفرغ قدیم در شرق زاگرس مرکزی-ایران» مجله مطالعات باستان‌شناسی دوره ۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۴، صص ۳۵-۵۴.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۲ الف). «روش کاوش در باستان‌شناسی (قسمت اول)»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۱۳ و ۱۴.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۲ ب). «روش کاوش در باستان‌شناسی (قسمت دوم)»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۳). «روش کاوش در باستان‌شناسی (قسمت آخر)»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۱۶.
- محمدی فر، یعقوب (۱۳۸۹). باستان‌شناسی و هنر اشکانی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.
- میر اسکندری، سید محمود، زهرا جوادی نیا و مسعود صادقی (۱۳۹۹). «دومین فصل از کاوش باستان‌شناختی تپه قلات سوغانلو-حوضه آبگیر سد کانی سیب، پیرانشهر-آذربایجان غربی». مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران / گردآورنده روح‌الله شیرازی؛ ویراستار مرتضی خانی پور و ام‌البنین غفوری، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- میرزایی، آریتا و بهنام قنبری، لیلا گرگری (۱۳۹۹). «کاوش لایه‌نگاری تپه گردی گوران پیرانشهر». مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران / گردآورنده روح‌الله شیرازی؛ ویراستار مرتضی خانی پور و ام‌البنین غفوری، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

- وایت، نانسی ماری (۱۳۹۴). باستان‌شناسی، ترجمهٔ مریم کلبادی نژاد، تهران: آوند دانش.
- هستر، تامس، هری شیفر و کنت فِدر (۱۳۹۲). روش‌های میدانی در باستان‌شناسی، ترجمهٔ کمال‌الدین نیکنامی و حسین صبری، تهران: سمت.
- Abdi, Kamiyar (2008), "Archaeology & its Educational Potential", *Modares Archaeology Research Journal*, 1st Year, No. 2.
- Abedi, Akbar (2015). "Archaeological Projects of Dams in Iran; Emergency Salvage Excavation or Conservation & Restoration", *Archaeometry Research*, 2nd year, 2nd issue, pp. 91-92.
- Abedi, Akbar (2017). "Report of the First Season of the Excavation of Piranshahr Tepe Silveh, Evidence from the Dalma Period to the Iron Age". The collection of short articles of the 16th annual meeting of Iranian archaeology (the collection of articles of 2015) by Ruhollah Shirazi; Ed. Ashkan Zare, Tehran, Cultural Heritage & Tourism Research Institute.
- Aghalari, Bayram (2017). "Archaeological Survey of the Area of Kani Shinka Dam in Piranshahr". The collection of short articles of the 16th annual meeting of Iranian archaeology (the collection of articles of 2016) by Ruhollah Shirazi; Ed. by Ashkan Zare, Tehran, Cultural Heritage & Tourism Research Institute.
- Alizadeh, Abbas (1995), "The Importance & Recognition of Research Methods in Archaeology", *Journal of Archaeology & History*, No. 17.
- Alizadeh, Abbas (2001), *Theory & practice in Archaeology (with Chapters on Evolutionary Biology & Epistemology)*, Tehran: Iran's Cultural Heritage Organization (Research).
- Alizadeh, Abbas (2004), "Theory & Practice in Archaeology", *Archaeology Reports*, 3rd Year.
- Alizadeh, Abbas (2013), *Theory & Practice in Archaeology (with Chapters on Evolutionary Biology & Epistemology)*, Tehran: Iran Negar.
- Bahn, Paul (1996), *Archaeology, A Very Short Introduction*, Oxford.
- Bahn, Paul (1996), *Archaeology, A Very Short Introduction*, Oxford.
- Binandeh, Ali (2008). "Archaeological Survey of the Little Zab Basin". Master's thesis, Department of Archaeology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University. (Unpublished)
- Binandeh, Ali (2019). "Salvage Excavation of Rikabad Tepe, Little Zab Basin". The collection of short articles of the 18th Annual Meeting of Iranian Archaeology / by Ruhollah Shirazi; Ed. by Morteza Khanipour & Umm ul-Banin Ghafouri, Tehran, Cultural Heritage & Tourism Research Institute.
- Clarke, D., 1977. Spatial information in archaeology, in: Clarke, D., (ed.), *Spatial archaeology*, New York, Academic Press, pp. 1- 28.
- Clarke, D., 1977. Spatial information in archaeology, in: Clarke, D., (ed.), *Spatial archaeology*, New York, Academic Press, pp. 1- 28.
- Dawson, Peter, C., 2002. Space syntax analysis of central inuit snow houses, *Anthropological Archaeology*, 21: 464-480.
- Dawson, Peter, C., 2002. Space syntax analysis of central inuit snow houses, *Anthropological Archaeology*, 21: 464-480.

- Drewett, Peter L. (2012), *An Introduction to Field Archaeology*, tran. by Hojat Darabi, Tehran: SAMT.
- Fagan, Brian (2012), *The Beginning*, Vol. 1, tran. by Gholamali Shamlou, Tehran, SAMT.
- Falahian, Yusuf (2019). "The Second Season of Excavation in Kasegaran 4 Area & the First Season of Excavation in Kasegaran Ajmali Area". The collection of short articles of the 18th annual meeting of Iranian archaeology / by Ruhollah Shirazi; Ed. by Morteza Khanipour & Umm ul-Banin Ghafouri, Tehran, Cultural Heritage & Tourism Research Institute.
- Gamble, Clive (2008), *Archaeology, the Basics*, 2nd edition, London: Routledge.
- Gamble, Clive (2008), *Archaeology, the Basics*, 2nd edition, London: Routledge.
- Gravand, Afrasiab & Fateme Malekpour (2019). "Preliminary Report of the Second Season of the Salvage Excavation of the Qad Kodan Site". The collection of short articles of the 18th annual meeting of Iranian archaeology / by Ruhollah Shirazi; Ed. by Morteza Khanipour & Umm ul-Banin Ghafouri, Tehran, Cultural Heritage & Tourism Research Institute.
- Gross, R. S., Marshall, F., 2004. Reconstruction of spatial organization in abandoned Maasai settlements: implications for site structure in the pastoral Neolithic of east Africa, *Archaeological Science*, 31: 1395- 1411.
- Gross, R. S., Marshall, F., 2004. Reconstruction of spatial organization in abandoned Maasai settlements: implications for site structure in the pastoral Neolithic of east Africa, *Archaeological Science*, 31: 1395- 1411.
- Hassanzadeh, Yusuf & John Curtis (2021). *Catalog of the Exhibition of Bukan Clinker Bricks Returned from Switzerland*, National Museum, Tehran.
- Hester, Thomas, Hari Sheffer & Kent Feder (2012), *Field Methods in Archaeology*, tran. by Kamaluddin Niknami & Hossein Sabri, Tehran: SAMT.
- Heydari, Reza, (2016). *Investigation of the Ancient Sites of the Kani Sib Dam Area in Piranshahr*. Tehran, Research Institute of Cultural Heritage & Tourism, Archaeology Research Institute Documentation Center. (Unpublished)
- Hojjat, Mehdi (1998). "Space", *Arcade*, No. 1, 17-27.
- Kabir, Akhtar & Shiva Hekmati (1999). "Perception of Space", *The Second Congress of the History of Architecture & Urban Planning of the Bam Citadel of Kerman*, by Baqir Ayatollahzadeh Shirazi, 271-284.
- Karimian H, 2010. Cities & Social Order in Sasanian Iran – the archaeological potential, *Antiquity*, 324: 453-466.
- Karimian H, 2010. Cities and social order in Sasanian Iran – the archaeological potential, *Antiquity*, 324: 453-466.
- Karimian, Hassan & Abbas Ali Ahmadi (2014). "Spatial Archaeology; A Scientific Approach in the Analysis of Architectural Works, Urban Spaces & Ancient Textures" *Archaeological Studies*, Vol. 7, No. 2, pp. 103-116.
- Karimian, Hassan (2005). "The Necessity of Using New Theories in the Analysis of the Spatial Structure of Ancient Textures", *Journal of Faculty of Literature & Human Sciences*, Tehran University, Vol. 56, No. 172, 111-121.
- Khanmohammadi, Behrouz (2019). "The Second Season of Salvage Excavation of the Sowghanlu Basin, the Kani Sib Dam Basin in Piranshahr, West Azarbaijan Province". The

collection of short articles of the 18th annual meeting of Iranian archaeology / by Ruhollah Shirazi; Ed. by Morteza Khanipour & Umm ul-Banin Ghafouri, Tehran, Cultural Heritage & Tourism Research Institute.

- Kuijt, Ian, 2000. People and space in agricultural villages: exploring daily Lives, community size and architecture in the late per- pottery neolithic, *Anthropological Archaeology*, 19, pp. 75-102.
- Kuijt, Ian, 2000. People and space in agricultural villages: exploring daily Lives, community size and architecture in the late per- pottery neolithic, *Anthropological Archaeology*, 19, pp. 75-102.
- Majidzadeh, Youssef (1993 A), "Exploration Method in Archaeology (Part I)", *Journal of Archaeology & History*, Vol. 13 and 14.
- Majidzadeh, Youssef (1993 B), "Exploration Method in Archaeology (Part II)", *Journal of Archaeology & History*.
- Majidzadeh, Youssef (1994), "Exploration method in Archaeology (Last part)", *Journal of Archaeology & History*, Vol. 16.
- Mir Eskandari, Seyyed Mahmoud, Zahra Javadinia & Masoud Sadeghi (2019). "The Second Season of the Archaeological Excavation of Qalat Sowghanlu Tepe - Kani Sib Dam Basin (Piranshahr-West Azerbaijan)". The collection of short articles of the 18th annual meeting of Iranian archaeology / by Ruhollah Shirazi; Ed. by Morteza Khanipour & Umm ul-Banin Ghafouri, Tehran, Cultural Heritage & Tourism Research Institute.
- Mirzaei, Azita & Behnam Qanbari, Leila Gergari (2019). "Excavating the Stratigraphy of Goran Piranshahr Gerd-i-Gouran Tepe". The collection of short articles of the 18th annual meeting of Iranian archaeology / by Ruhollah Shirazi; Ed. by Morteza Khanipour & Umm ul-Banin Ghafouri, Tehran, Cultural Heritage & Tourism Research Institute.
- Mohammadifar, Yaqoub (2010). *Parthian Archaeology & Art*, Tehran, SAMT Publications, 2nd ed.
- Motarjem, Abbas & Kamaluddin Niknami (2011). "Early Bronze Age in the East of Central Zagros-Iran" *Journal of Archaeological Studies*, Vol. 3, No. 2, SN. 4, pp. 35-54.
- Pugh, Timothy, W., 2003. A Cluster & Spatial Analysis of Ceremonial Architecture at Late Postclassic Mayapan, *Archaeological Science*, 30: 941- 953.
- Pugh, Timothy, W., 2003. A cluster and spatial analysis of ceremonial architecture at late postclassic Mayapan, *Archaeological Science*, 30: 941- 953.
- Qanbari, Behnam (2021). "Report of the Salvage Excavation of the Third Season of Gerd-i-Gouran Site". Tehran, Cultural Heritage & Tourism Research Institute, Archaeology Research Institute Documentation Center. (Unpublished)
- Qolipour, Khairullah & Fariba Begdeli (2005). "Report of the Registration Case of Tepe Gerd-i-Gouran 2". Cultural Heritage & Tourism Organization, General Administration of Cultural Heritage & Tourism of West Azarbaijan Province.
- Raper, R. A., 1977. The analysis of the urban structure of Pompeii, a soological examination of land use semi-microi, in: David Clarke (ed.), *spatial archaeology*, New York, Academic Press, pp. 189-219.

- Raper, R. A., 1977. The analysis of the urban structure of Pompeii, a socio-archaeological examination of land use semi-microi, in: David Clarke (ed.), *Spatial Archaeology*, New York, Academic Press, pp. 189-219.
- Saadvandi, Mehdi & Maede Kalantari (2019). "Levels of Protection of Architectural Heritage", *Scientific Quarterly of Restoration & Architecture of Iran*, 10th year, 24th issue, pp. 31-42.
- Saraghi, Siavash, Abbas Mohammadi & Mitra Paridar (2019). "Poshtmalan, the Innovation of the Bronze Age of Zab Basin". The collection of short articles of the 18th annual meeting of Iranian archaeology / by Ruhollah Shirazi; Ed. by Morteza Khanipour & Umm ul-Banin Ghafouri, Tehran, Cultural Heritage & Tourism Research Institute.
- Schauman-Lonnqvist, 2004. Marianne. Rescue Archaeology in Finland – Goals and Practices. *European Preventive Archaeology Papers of the EPAC Meeting*, Vilnius, Edited by Katalin Bozóki-Ernyey National Office of Cultural Heritage, Hungary. 50-56.
- Schauman-Lonnqvist, 2004. Marianne. Rescue Archaeology in Finland – Goals and Practices. *European Preventive Archaeology Papers of the EPAC Meeting*, Vilnius, Edited by Katalin Bozóki-Ernyey National Office of Cultural Heritage, Hungary. 50-56.
- Seyedsajadi, Seyed Mansour (1986), "Archaeology & Other Sciences", *Journal of Archaeology & History*, No. 1.
- Sharifi, Mahnaz (2019). "The First Season of Grdashawan Archeological Excavation in Little Zab Basin". The collection of short articles of the 18th annual meeting of Iranian archaeology / by Ruhollah Shirazi; Ed. by Morteza Khanipour & Umm ul-Banin Ghafouri, Tehran, Cultural Heritage & Tourism Research Institute.
- Sommer, R., 1969. *Personal space*, Newjersey, Englewood Cliffs.
- Sommer, R., 1969. *Personal space*, Newjersey, Englewood Cliffs.
- Sorkhabi, Obaidullah (2015). *Spatial Analysis & Explanation of Settlement Models of the Zab River Basin*. Master's Thesis, Department of Archaeology, Faculty of Humanities, University of Mohaghegh Ardabili. (Unpublished)
- Taifeh Ghahramani, Nasrin (2008), *Field Archaeology (Systematic Principles in Excavations)*, Tehran: Moallef Publisher.
- Taifeh Ghahramani, Nasrin (2012), *Field Archaeology (Systematic Principles in Excavations)*, Tehran: Tahouri.
- Talai, Hassan (2008). *Bronze Age of Iran*, Tehran, SAMT Publications, 3rd edition.
- Talai, Hassan (2009). *Bronze Age of Iran*, Tehran, SAMT Publications, 2nd edition.
- White, Nancy Marie (2014), *Archaeology*, tran. by Maryam Kolbadinejad, Tehran: Avand-e-Danesh.

Architectural Heritage and Salvage Archaeology (The Case Study of Salvage Excavation in Piranshahr Gerd-i-Gouran Site)

Farzad Mafi*^۱ Behnam Qanbari^۲ Hamid Norasi^۳

Received: 2022/08/05 Accepted: 2022/09/15

Abstract

Architectural relics and evidence form a significant part of the findings and results of archaeological excavations. Along with other buildings, the architectural heritage of land consists of structures obtained from archaeological excavations, historical contexts, and architectural traditions left over from past periods. An undeniable necessity in archaeological excavations and studies is to pay attention to architectural heritage. However, given the speed of action, time, and financial limitations in this type of excavation, when the discussion of salvage excavations is raised, the possibility of the loss of architectural evidence becomes more important. Given the importance of architectural relics and evidence in archaeological excavations, based on the results of salvage excavations in the Piranshahr Gerd-i-Gouran⁴ site, the present article has tried to evaluate how archaeologists interact with architectural heritage, especially in salvage excavations. Consequently, taking into account influential assumptions such as 1) lack of priority for architectural studies, 2) lack of attention to salvage excavation requirements, 3) failure to use the expertise of architects in archaeological teams, 4) lack of attention to spatial archaeology approaches and 5) inadequacy of excavation level with research needs, it has tried to verify the exact lack of efficiency of new technologies and other compelling cases. Finally, suggestions have been presented to improve the study methods, documentation, and more detailed introduction of architectural heritage in salvage excavations. The current research method is historical and comparative-analytical, and the collection of information was done in a library style, using archaeological reports and approaches.

Keywords: Architectural Heritage, Salvage Archaeology, Piranshahr Gerd-i-Gouran, Spatial Archaeology

¹ Assistant Professor, Archaeology Department, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran. (Corresponding Author)
Farzad.Mafi@iau.ac.ir

² Postgraduate in Archaeology, Archaeology Department, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

³ Archaeology PhD student, Faculty of Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.

⁴ An Ancient Tepe in Piranshahr, Iran